

۱- با توجه به معنی داخل کمانک چند واژهٔ نادرست معنا شده است؟

(کنگره: برآمدگی طاق) (تسلّا: آرامش) (عیال: زن و فرزند) (خطابه: سخنرانی) (خیل: زیاد) (شندرغاز: پولی اندک)

(رندانه: زیرکانه) (میراب: نگهبان آب) (دین: وام) (غوک: قورباغه)

(۱) چهار

(۲) پنج

(۳) سه

(۴) دو

۲- معنای کلمات زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«بیرنگ، غارب، گرده، بیغوله، بحران»

۱) ساده، میان دو کتف، بالای کمر، گوشه‌ای دور از مردم، وضع غیرعادی

۲) طرح اوّلیه، برآمدگی زیر گردن، پشت، کنج، آشفتگی

۳) طرح اوّلیه، میان دو کتف، پشت، کنج، آشفتگی

۴) ساده، برآمدگی زیر گردن، بالای کمر، گوشه‌ای دور از مردم، وضع غیرعادی

معنی بخش مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) از فضل و رحمت کردگار جلّ جلاله و عم نواله نامید نباید شد: شکوه او بزرگ و لطف او فراگیر است.
- (۲) و دلاک و قیّم در آمدند و خدمت کردند: کیسه کش و حمامی آمدند و کیسه کشیدند.
- (۳) چنانکه در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم: با عزّت و آسایش به ایران رسیدیم.
- (۴) چون از در در رفتیم گرمابه‌بان و هر آنچه در آنجا بودند همه بر پای خاستند: وارد شدیم.

۴- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... غلط‌املائی دیده می‌شود.

(۱) رعشه و لرزش، حرمت فامیل و غرابت خویش، حیاط و حوض آب، سراسیمه جیغ کشیدن

(۲) قرض و دین، غیاث و سنجیدن، بر پای خاستن و ایستادن، مسلخ گرمابه

(۳) بیغوله و کنج، یال و غارب، تصلای غم غُربت، علم کردن و برپا کردن

(۴) خبردار شدن شست، تلاطم امواج، غلغه‌زن و شور و غوغاکنان، ورطه و هلاکت

۵- در کدام گزینه با توجه به معنی داخل کمانک املاي واژه‌اي نادرست به کار رفته است؟

(۱) (مرمت: اصلاح) (گسیل کردن: روانه کردن) (رقعه: نامه) (نمط: روش)

(۲) (بُر خوردن: در میان قرار گرفتن) (قیاس: سنجیدن) (مولع: حریص) (نیکو منظر: خوش چهره)

(۳) (زهی: آفرین) (فروع: روشنایی) (غلغله: شور و غوغا) (خیره: بیهوده)

(۴) (انعام: بخشش) (فضل: دانش) (ادیب: دانشمند) (غرابت: خویشاوندی)

۶- آرایهٔ بیت زیر در کدام گزینه نیامده است؟

ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک / تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است

(۱) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را / به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را

(۲) دل در طلب خندهٔ شیرین تو خون شد / جان در طوع لعل شکر خای تو افتاد

(۳) نشئهٔ دیدار ساقی رونق مستی شکست / هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید

(۴) نرفتم به محرومی از هیچ کوی / چرا از در حق شوم زرد روی

۷- در کدام بیت شاعر از آرایه «تمثیل» بهره برده است؟

- ۱) ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را / اوّل مرا سیراب کن وان که بده اصحاب را
- ۲) من نیز چشم از خواب خوش بر می‌نکردم پیش از این / روز فراق دوستان شب خوش بگفتم خواب را
- ۳) مقدار یا همنفس چون من نداند هیچ کس / ماهی که بر خشک اوفتد قیمت بداند آب را
- ۴) فریاد می‌دارد رقیب از دست مشتاقان او / آواز مطرب در سرا زحمت بود بوّاب را

۸- نوع حذف فعل در کدام گزینه متفاوت با دیگر گزینه‌هاست؟

(۱) ور هنری داری و هفتاد عیب / دوست نبیند مگر آن یک هنر

(۲) صبر بر قسمت خدا کردن / به که حاجت به ناسزا بردن

(۳) زبان در دهان ای خردمند چیست / کلید در گنج صاحب هنر

(۴) هر که در سایهٔ عنایت اوست / گنهش طاعت است و دشمن دوست



در کدام بیت‌ها به ترتیب «و» عطف، «و» پیوند و «و» عطف دیده می‌شود؟

(الف) روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم

(ب) بر خاک بیفتاد و بغلتید چو ماهی / آنگاه پر خویش گشاد از چپ و از راست

(پ) تا بدانی کاندرین سودا چه سود اندوختم / عقل و هوش و جان خریدم، دین و دل بفروختم

(ت) دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند / گل آدم بسرشتند و به پیمان زدن

(ث) گل در برو و می در کف و معشوق به کام است / سلطان جهانم به چنین روز غلام است

(ج) دل و دین و عقل و هوشم همه را به آب دادی / ز کدام باده ساقی، به من خراب دادی

(۱) ت، ث، الف (۲) پ، ب، ت (۳) ج، پ، ث (۴) ج، ث، پ

- ۱۰- نقش گروه اسمی مشخص در بیت زیر با کدام یک از گروه‌های مشخص شده یکسان است؟
- تشبیه روی تو نکنم من به آفتاب / کاین مدح آفتاب نه تعظیم شأن توست
- (۱) آن نه زلف است و بناگوش که روز است و شب است / وان نه بالای صنوبر که درخت رطب است
- (۲) آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت / عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است
- (۳) جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست / نه که از ناله مرغان چمن در طرب است
- (۴) سخن خویش به بیگانه نمی‌یارم گفت / گله از دوست به دشمن نه طریق ادب است

۱۱- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

(۱) بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت / امروز همه روی زمین زیر پر ماست

(۲) چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من

(۳) نعره برآورده فلک کرده کر / دیده سیه کرده شده زهره در

(۴) گفت در این معرکه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم

۱۲- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم / لباس حُسن تو دیدم به قد هر یک راست

(۲) جمله ذرّات جهان مرآت اوست / هرچه بینی مصحف آیات اوست

(۳) از او هرچه بگفتند از کم و بیش / نشانی داده‌اند از دیده‌خویش

(۴) گل دفتر اسرار خداوند گشوده است / صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است

۱۳- مفهوم همهٔ ابیات یکسان است، به جز بیت .....

(۱) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

(۲) نشکنی تا خویش را از دوست کی یابی نشان / هست پیچیدن کلید قفل این گنجینه را

(۳) به عزت هر آن کو فروتر نشست / به خواری نیفتد ز بالا به پست

(۴) صبحدم از عرش می آمد خروشی عقل گفت / قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنند

۱۴- عبارت «بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی که بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند» با کدام گزینه تناسب ندارد؟

- ۱) صبر کن بر تلخکامی‌ها که آخر روزگار / چشمه سار نوش سازد بوسه گاه نیش را
- ۲) مایه پرهیزگار قوّت صبر است و عقل / عقل گرفتار عشق، صبر زبون هواست
- ۳) دو روزی با غم و رنج حوادث صبر کن بیدل / جهان آخر چو اشک از دیده‌ات یکبار می‌افتد
- ۴) صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست / چاره عشق احتمال شرط محبّت وفاست

در هر گزینه مفهوم بیت‌ها یکسان است، به جز گزینه ..... .

(۱) از آن صبح نخستین بی‌فروغ است / که لاف روشنی از وی دروغ است

دم صبح کاذب بُود زود میر / ولی صبح صادق شد آفاق گیر

(۲) دنیا نیرزد آنکه پریشان کنی دلی / زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است / کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

(۳) به زیر دلق مَلَمَعِ کمندها دارند / دراز دستی این کوتاه آستینان بین (مَلَمَع: رنگارنگ)

جو فروش است آن نگار سنگدل / با من او گندم نمایی می‌کند

(۴) تا به گریبان نرسد دست مرگ / دست ز دامن نکنیمت رها

تا نگردی بی‌خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان

۱۶- معانی واژه‌های «مولع، مرمت، فراعنه، فروغ» در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

(۱) شیفته، جوانمردی، جمع فرعون، روشنایی

(۲) آزمند، رسیدگی، پادشاه قدیم مصر، پرتو

(۳) بسیار مشتاق، اصلاح، پادشان قدیم مصر، روشنایی

(۴) آزمندی، اصلاح، جمع فرعون، پرتو



۱۷- در همهٔ گزینه‌ها معنی دو واژه در کمانک روبه‌روی آن به جز گزینهٔ ..... نادرست آمده است.

(۱) (آخره: قوس زیر گردن) (رعنا: پرنقش) (بُنشن: تره‌بار) (گُرده: بالای کمر)

(۲) (تازی: عرب) (یله: تکیه دادن) (قفا: پشتِ گردن) (پلاس: نوعی گلیم پُربها)

(۳) (فضل: نیکویی) (بیشه: نیزار) (خورجینک: جامه‌دان) (در حال: درنگ)

(۴) (خیل: رسته) (خطابه: وعظ کردن) (بهایم: چارپا) (شکن: پیچ و خم زلف)

۱۸- معنی چند واژه در کمانک روبه‌روی آن درست آمده است؟

(زهی: آفرین) (پیرایه: زیبا) (معرکه: رزمگه) (هنگامه: شلوغ) (اهلیت: شایستگی) (کُله: پای اسب) (وَقَب: چشم)

(فرج: رهایی) (خیره: سرگشتگی) (مستغنی: بی‌نیازی)

(۱) چهار

(۲) پنج

(۳) شش

(۴) سه

۱۹- در کدام گزینه غلط املائی دیده نمی شود؟

- (۱) کار ملک را نظام داده آید که نه خُرد ولایتی است خراسان، چون از آن فراغت یابم تدبیر این مملکت کنم.
- (۲) در مستی لب مار دم‌بریده مکیدن خطر است و از آن بدتر خدمت و غربت سلاطین.
- (۳) عقابی بر مرغان آن نواحی برخواستی و به عزم تفرّج بدان کوه آمدی و کبک‌ها شکار کردی.
- (۴) دیانت من، میان او و قرض او جای گرفت و این مکر کرد و نگذاشت مقصود حاصل شود.

۲۰- در کدام گزینه غلط‌املائی کمتری دیده می‌شود؟

- (۱) نقشهٔ قالی، بحران بلوغ، حقارت و خاری، برازنده‌گی و لیاقت، حامل سرمایه
- (۲) کینه و بُقُض، هق‌هق‌گریه، عنصرالمعالی، لنگ و پلاس، غَرَض و مقصود
- (۳) حلال و حرام، نعره و فریاد، بهر خروشنده، سهمگن و ترسان، غوک و قورباقه
- (۴) طاقت و هوش، مدهوش و هیران، تسبیه و ستودن به پاکی، عذرخواهی و پوزش

۲۱- آرایه ذکرشده در مقابل کدام گزینه‌ها نادرست آمده است؟

(الف) از سوز غمت مرغ دلم هر شب و هر روز / با نغمه تو تازه کند نوحه سرایی (تشبیه)

(ب) ای باد صبا تیره مکن ایامم / یک ره برسان بدان صنم پیغامم (تشخیص)

(پ) رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار / گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد (تلمیح)

(ت) دیگر مرا به ضربت شمشیر غم بزد / فریاد از این سوار، که صید حرم بزر (مجاز)

(۱) الف و ت

(۲) ب و ت

(۳) پ و ب

(۴) پ و ت

۲۲- در کدام بیت هر دو آرایه «حس آمیزی و تشبیه» به کار رفته است؟

- (۱) در هر نظر به رنگ دگر جلوه می کند / از بس که آن گل رخسار نازک است
- (۲) چشم تو آفت است به روی کسی مبین / پای تو نازک است به روی زمین مرو
- (۳) کوری بی منت از چشم به منت خوشترست / گر توانی بوی پیراهن به یوسف باز ده
- (۴) می شنیدم پیش ازین از خون شمیم نوبهار / بوی خون اکنون به مغز از نوبهار آید مرا

۲۳- نوع حذف فعل در کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) من بودم و دل بود و کناری و فراغی / این عشق کجا بود که ناگه به میان جست؟

(۲) یکی را که سعی قدم پیشتر / به درگاه حق منزلت پیشتر

(۳) ماری تو که هر که را بینی، بزنی / یا بوم که هر کجا نشینی، بگنی

(۴) روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم

در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه ..... مفعول دیده می‌شود.

(۱) سماع انس که دیوانگان از آن مستند / به سمع مردم هشیار در نمی‌گنجد

(۲) میاسای ز آموختن یک زمان / به دانش میفکن دل اندر گمان

(۳) من بعد حکایت نکنم تلخی هجران / کان میوه که از صبر برآمد شکری بود

(۴) صوفی بیا که کعبهٔ مقصود در دل است / حاجی به هرزه راه بیابان گرفته است



۲۵- در کدام گزینه «واو» عطف به کار نرفته است؟

- ۱) صائب کنون که دور به کام تو می رود / بشکن به ساغری سر و دست خمار را
- ۲) عنان مپیچ که گر می زنی به شمشیرم / سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک
- ۳) بیا که وقت بهارست تا من و تو به هم / به دیگران بگذاریم باغ و صحرا را
- ۴) در این روش که تویی بر هزار چون سعدی / جفا و جور توانی ولی مکن یارا

۲۶- در همهٔ گزینه‌ها به آفریده شدن انسان از خاک اشاره شده است، به جز گزینهٔ ..... .

(۱) زین در کجا رویم که ما را به خاک او / و او را به خون ما که بریزد حوالت است

(۲) به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک

(۳) خاک ما گل کرد در چل بامداد / بعد از آن جان را در او آرام داد

(۴) آفرین جان آفرین پاک را / آنکه جان بخشید و ایمان، خاک را

۲۷- مفهوم «حاسبوا قبل أن تُحاسبوا» در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... دیده می‌شود.

- ۱) آسوده است عاشق صادق ز بیم حشر / پاک است از غبار خیانت حساب صبح
- ۲) نمی‌لرزد دلم چون نامه از اندیشهٔ فردا / که من از خود حسابی دیده‌ام صد بار محشر را
- ۳) خود حسابی شد دل آگاه را روز حساب / دیدهٔ انصاف میزان قیامت شد مرا
- ۴) کسی کاو دهد از تن خویش داد / نبایدش رفتن بر داوران

۲۸- مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

شد اوج وصل بر من مسکین حضيض هجر / دیشب سپهر بودم و امشب زمین شدم (حضيض: پست)

(۱) فراغت و طلب و امن و عیش و شباب / ببرد از من یک یک زمانه غدار

(۲) به صدر مصطبه‌ام می‌نشانند اکنون دوست / گدای شهر بین که میر مجلس شد (مصطبه: تخت)

(۳) مدار چشم اقامت ز اعتبار جهان / که همچو سایه بال هماغست دولت‌ها

(۴) چو عاقبت کار جهان نیستی است / انگار که نیستی چو هستی خوش باش

۲۹- عبارت زیر با کدام یک از ابیات زیر تناسب معنایی ندارد؟

«تا از عیب و گناه خود پاک نگردم، عیب مردم نگویم»

- ۱) عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت / که گناه دگران بر تو نخواهد نوشت
- ۲) چون شانه عیب خلق مکن مو به مو عیان / در پشت سر نهند کسی را که عیب جوست
- ۳) گفتا هر آنکه عیب کسی در قفا شمرد / هر چند دل فریبد و رو خوش کند عدوست
- ۴) عیب مردم را مگوی ای خودپرست / عیب جویی هم به دنبال تو هست

۳۰- عبارت «از آموختن ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی» با چند بیت از ابیات زیر تناسب معنایی دارد؟

الف) اگر تو از آموختن سر بتابی / نجوید سر تو همی سروری را

ب) درخت تو گر بار دانش بگیرد / به زیر آوری چرخ نیلوفری را

پ) جر جفا با اهل دانش مر فلک را کار نیست / زانکه دانا را سوی نادان بسی مقدار نیست

ت) سر از گرد غفلت به دانش بیفشان / بیاموز تا همچو سلمان بباشی

ث) دانش آموز و سر از گرد جهالت بفشان / راستی ورز و بکن طاعت و حیلت مطراز

ج) قیمت دانش نشود کم بدانک / خلق کنون جاهل و دون همّت است

(۱) چهار

(۲) پنج

(۳) سه

(۴) شش

معنی واژه‌های «هنگامه، غنود، غوک، معرکه» به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

(۱) غوغا، حسود، مرغابی، جنگ

(۲) داد و فریاد، بدخواه، قورباغه، میدان جنگ

(۳) شلوغی، دشمن، نوعی جغد، ستیز

(۴) جمعیت مردم، ستیزه‌کار، قورباغه، قدرت‌نمایی

۳۲- در کدام گزینه معنی تمام واژگان به درستی آمده است؟

- ۱) (فراغ: جدایی) (تعلل: بهانه آوردن) (بهیمه: چارپا) (مولع: شیفته)
- ۲) (خیره: لجوج) (قفا: پشت) (مفتاح: گشایش) (مخذول: خار)
- ۳) (وقب: هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم) (کرای: کرایه) (شوخ: آلودگی) (ضایع: تلف)
- ۴) (آوان: هنگام) (فضل: نیکویی) (تیمار: خدمت) (کمیت: اسب بور و مایل به سرخ)



معنی چند واژه نادرست نوشته شده است؟

(مخمصه: بدبختی) (خَلْفَ صدق: مخالف راستین) (بیرنگ: طرح اولیه) (مُکّاری: مکرکننده) (صبیان: اطفال) (معالی: خصلت‌های ممتاز) (نمط: نوع) (تکیدہ: تکیه‌کننده) (تعليق: پیوست و یادداشت کردن در کتاب) (عَمَّ نواله: فراگیر است لطف او)

(۱) سه

(۲) چهار

(۳) دو

(۴) پنج

۳۴- در کدام گزینه مطلبی نادرست دیده می‌شود؟

(۱) درس «سفر به بصره» بخشی از «سفرنامه» حکیم ابومعین ناصر خسرو قبادیانی، سراینده قرن ششم است.

(۲) در متن «کلاس نقاشی» از کتاب «اتاق آبی» سهراب سپهری، خاطره‌ای از یک کلاس با توصیف و چاشنی طنز به صورت خاطره‌نگاری نوشته شده است.

(۳) «پیرمرد چشم ما بود» از کتاب «ارزیابی شتاب‌زده» بیان حس و حال عاطفی جلال آل‌احمد با زبان صمیمی درباره علی اسفندیاری است.

(۴) «داستان‌های صاحب‌دلان» به کوشش محمدی اشتهاردی تدوین شده است و اثر تعلیمی با هدف آموزش و تعلیم موضوعی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی-ادبی باشند.

در بیت «حدیث تلخ را جاهل شراب ناب می‌گیرد / نمک در دیده بی‌درد رنگ خواب می‌گیرد» کدام آرایه‌ها دیده می‌شود؟

- (۱) تشبیه، حس آمیزی، کنایه، واج آرایی  
 (۲) استعاره، جناس، واج آرایی، تلمیح  
 (۳) تلمیح، کنایه، حس آمیزی، جناس تام  
 (۴) مراعات نظیر، تشبیه، تناقض، تشخیص

اجزای جملات «جنگ شد، ضحاک بارها فریب ابلیس را می خورد، پسرک به اتوبوس خورد» به ترتیب در کدام گزینه

به درستی ذکر شده اند؟

- (۱) دوجزئی ناگذر، چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم، سه جزئی گذرا به متمم
- (۲) سه جزئی مسندی، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به متمم
- (۳) سه جزئی مسندی، چهارجزئی مفعول متممی، دوجزئی ناگذر
- (۴) دوجزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به مفعول، دوجزئی ناگذر

۳۷- در کدام بیت جملهٔ وابسته دیده نمی‌شود؟

- (۱) ماند هر کو چون قلم ماند زناست در طرب / در خمار شست رانی هم‌چو کاغذ در شراب
- (۲) تا همیشه کاتبان دارند کاغذ را عزیز / گاه از او سازند منشور و گهی از وی کتاب
- (۳) سرو را تکرار کاغذ نیک می‌دانی که چیست؟ / فیض جودت مایل از آن است به کاغذ چون حساب
- (۴) هر کجا کلک تو شد بر صفحهٔ کاغذ روان / تیغ هندی را نماند با نمادش هیچ تاب

در تمام بیت‌ها کلمه‌ای با تحول معنایی دیده می‌شود جز گزینهٔ ..... .

- (۱) رسم بدعهدی ایّام چون دید ابر بهار / گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد
- (۲) هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست؟
- (۳) زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد / از سر پیمان گذشت بر سر پیمانانه شد
- (۴) سوگند می‌خورم به مرام پرندگان / در عرف ما سزای پریدن تفنگ نیست

مفهوم بیت «در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟» با کدام بیت قرابت دارد؟

(۱) نیست بی خون جگر در گلشن عالم گلی / هست هر شاخ گلی محضر به خون بلبلی

(۲) گلی گفتم به خواب از گلشن رخسار او چینم / پرید از چشم خواب از های وهوی عندلیبانم

(۳) بخرام به گلشن که پی سیر و صبوحی / پیغام گلی نیست که با باد صبا نیست

(۴) گلی به گلشن نیلوفری چو من نشکفت / به کام اهل دلی در جهان در این گلشن

۴۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) عیب‌جویی را بهل هیچ‌ار هنر داری بگو / غیب‌گویی را بنه هیچ‌ار خبر داری بیار
- (۲) به مجنون گفت روزی عیب‌جویی / که پیدا کن به از لیلی نکویی
- (۳) چند جویی دیگران را عیب باز / آن خود یک ره بجوی از جیب باز
- (۴) عیب مردم پیش ازین می‌گفتم اندر چشم خلق / وقتیم آیینه گفتا آخر از خود شرم‌دار



در کدام گزینه غلط‌املائی دیده نمی‌شود؟

- (۱) اخت و انس، علم کردن کنگره، اهلیت و شایستگی، خار و زبون
- (۲) طمانینه و آرامش، ذوق و قریحه، غرض و دین، دینار مغرب
- (۳) حلال و حرام، صحبت و مهاوره، عذر خواستن، ضربت و صدمت
- (۴) رنگ و برازندگی، قیاس و سنجش، دلاک و قیّم، قرابت و خویشی

۴۲- در کدام گزینه عبارت غلط املایی دیده می‌شود؟

- (۱) پس از اطمینان تمام باز گفت که برای رضا و فراغ مخدوم از شداید و سختی‌ها باید پرهیز کرد.
- (۲) چندان که نقاب ظلمت از جمال صبح جهان‌آرا بگشاد، برخاست و مشاوران و خواب‌گزاران را بخواند.
- (۳) تنی چند از رونده‌گان در صحبت من بودند و ظاهر ایشان به صلاح آراسته و به تواضع شناخته.
- (۴) ما در این هفته حرکت خواهیم کرد و آنچه گفتنی است با خانان ترکستان نهاده آید.

۴۳- در عبارت زیر چند غلط املائی هست؟

«آنچه گویم نه از برای آن است تا بر رأی ملک در حادثهٔ خویش خطایی ثابت کنم تا عیبی به جانب او منصوب گردانم اما حسد جاهلان در حق ارباب هنر کفایت، عادت‌ی مستمر و رسمی معلوف است و بسته گردانیدن آن صعب و دشوار.»

(۱) دو

(۲) سه

(۳) چهار

(۴) یک

۴۴- در کدام گزینه آرایهٔ حس آمیزی همراه کنایه و استعاره به کار رفته است؟

(۱) جنون بوی گل در غنچه‌ها پنهان نمی‌ماند / نفس بر خود گریبان می‌درد در سینهٔ تنگم

(۲) دل در طلب خندهٔ شیرین تو خون شد / جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

(۳) گفته بودم که دگر شعر نگویم که مگس / زحمتم می‌دهد از بس که سخن شیرین است

(۴) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

۴۵- آرایه‌های روبه‌روی کدام بیت نادرست است؟

- ۱) قاصد رود از پارس به کشتی به خراسان / گر چشم من اندر عقبش سیل براند (استعاره، اغراق)
- ۲) ملامت‌گوی بی‌حاصل، ترنج از دست شناسد / در آن معرض که چون یوسف جمال ار پرده بنمایی (تلمیح، کنایه)
- ۳) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا / که هرگزش نتوان گفت این چه بیداد است (تناقض، تشخیص)
- ۴) دایم از تنگ‌دلی سر به گریبان باشد / هر که چون غنچه در این باغ به زر پردازد (جناس، کنایه)

۴۶- در کدام گزینه هر دو زمان ماضی نقلی و مضارع اخباری دیده می‌شود؟

(۱) سعدی افتاده‌ای است آزاده / کس نیاید به جنگ افتاده

(۲) خفته بودم همتم بیدار کرد / این ریاضت، جاودان خواهم گزید

(۳) از حدیثم بوی جان امروز می‌آید که من / دوش بی‌تشویش دل، در صحبت جان بوده‌ام

(۴) شد ز شوق آن عسل دلداده‌ای / در خروش آمد که کو آزاده‌ای؟

در تمام گزینه‌ها واژه‌های «وندی» و «مرکب» دیده می‌شود جز گزینه ..... .

(۱) مادربزرگ زنی بود باخدا و نمازخوان و مقدس که نوه پسریش را از جان و دل دوست می‌داشت.

(۲) آن‌گاه به خروس سنگدل پرداختم و به سزای عمل ناجوانمردانه‌اش از تن جدا کردم.

(۳) آن خسرو مهربان و خونگرم با سردی و بی‌مهری بسیار نگاهم کرد. از چهره‌اش بدبختی می‌بارید.

(۴) میرزا مسیح‌خان سخت نزدیک‌بین بود با عینک دور بیضی و دسته مفتولی و شیشه‌های زنگاری درست نمی‌دید.

۴۸- دربارهٔ معلم نقاشی سهراب سپهری، تمام گزینه‌ها به جز ..... درست است.

(۱) درون را بیارای هم‌چون برون / و یا ک برون را به رنگ درون

(۲) سعدی افتاده‌ای است آزاده / کس نیاید به جنگ افتاده

(۳) سلامت اگر بایدت گوش باش / ز گفتار بیهوده، خاموش باش

(۴) به صنعت سرخ گل را رنگ بندد / به آهن نقش چین بر سنگ بندد



مفهوم عبارت «این فصل بدان آوردم تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار پیش آید، نباید نالید و از فضل و

رحمت کردگار ناامید نباشد شد.» در کدام بیت‌ها دیده می‌شود؟

الف- شکوه از سختی ایام ز کم‌ظرفی‌هاست / جوی شیر است مرا پیش نظر هر رگ سنگ

ب- نخواهد ماند کس دائم به یک حال / گل پارین نخواهد رست امسال

ج- چنین است رسم سرای کهن / سرش هیچ پیدا نبینی ز بُن

د- دنیا به مثل چو کوزه زرین است / گه آب در او تلخ و گهی شیرین است

ه- دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

و- پیشه چرخ مردم آزاری است / صنعت روزگار خونخواری است

(۱) الف، د، ج

(۲) الف، ب، و

(۳) ب، ج، و

(۴) الف، ه، د

۵۰- در کدام گزینه به تلاش نیما در زمینه شعرپردازی اشاره نمی‌کند؟

- (۱) چون توانم که دمی خوش بزنم که آتش عشق / نگذارد که من سوخته دل دم بزنم
- (۲) سنگ راه من نگردد سختی راه طلب / کوه و صحرا پیش سیل بی‌قرار من یکی است
- (۳) ریزند خار اگر به ره من چو گردباد / در قطع راه بال دگر می‌شود مرا
- (۴) ستم به قدر هنر می‌کشند اهل هنر / به شاخ، سنگ به اندازه ثمر ریزد

۵۱- معنای واژه‌ها در کدام گزینه همگی درست است؟

۱) (تعلل: درنگ کردن) (تقریر: نوشتن) (بدسگال: بدخواه)

۲) (مولع: بسیار مشتاق) (استرحام: رحم کردن) (تازی: عرب)

۳) (مخمصه: غم بزرگ) (مصاف کردن: جنگیدن) (مندرس: فرسوده)

۴) (نیکومنظر: خوش چهره) (مسلخ: رختکن حمام) (منجلاب: آب بدبو)

۵۲- معنای چند واژه درست آمده است؟

(معاشرت: الفت داشتن) (بیغوله: دوری از مردم) (شوخ: آلودگی) (اوان: آغاز) (نمط: روش) (ضایع: تلف) (بی راهی:

گمراهی) (افلاک: آسمان) (باری: خلاصه) (خورجینک: جامه دان) (رقعه: نامه) (پلاس: جامه کلفت)

(۱) نه

(۲) هشت

(۳) هفت

(۴) ده

۵۳- در تمام گزینه‌ها تمام معانی واژه‌ها درست است جز گزینه ..... .

۱) (فضل: بخشش و کرم) (گرده: میان دو کتف و بالای کمر)

۲) (خودرو: خودرأی و لجوج) (آخره: چنبره و قوس زیر گردن)

۳) (گسیل کردن: فرستادن و روانه کردن) (عنود: دشمن و بدخواه)

۴) (گلبن: بوته گل و گل سرخ) (ورطه: زمین پست و مهلکه)

۵۴- در کدام بیت واژه‌ای با املای غلط دیده می‌شود؟

(۱) بین پایگاه مرا تا کجاست / بدان پایه باید ز من مایه خواست

(۲) جنت و دوزخ، بهشت و مردگی عین حیات / بی تو جنت دوزخ است و زندگانی ضایع است

(۳) آزار جو عزیز بود، لطف جوی خوار / این است تبع دهر، دلت مضطرب چراست؟

(۴) ای موازی نظر رای تو را نقش قدر / چه عجب ناقد اسرار قضا و قدری

در متن «چه هر که خواهد که کشتی بر خشکی راند و بر روی آب دریا اسب تازی کند بر خویشتن خندیده باشد

زیرا که از سیرت خردمندان دور است و گور کن در بهر و کشتی در بیابان داشتن»، چند واژه غلط املائی دارد؟

(۱) صفر

(۲) یک

(۳) دو

(۴) سه

۵۶- در ترکیب‌های زیر کدام گزینه تمام واژگان با املاي درست نوشته شده‌اند؟

(۱) مخدول و خوار شده، زندگانی بی‌تلاطم، زندگی مرفّهی داشتن، آخره و گرده

(۲) بر پای خاستن، عذاب غرض و دین، خروس غائب، ضمایم مطالب

(۳) دینار مقربی، عادت مألوف، سپر بینداختن، مستقنی و آزمند

(۴) زن باخدا و نمازخان، مبدأ و مقصد، ورطه و معرکه، مطابق معمول



۵۷- نام پدیدآورندگان «قابوس نامه، داستان‌های صاحب‌دلان، سیاست‌نامه، اتاق آبی» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) خواجه نظام‌الملک توسی، عبدالحسین وجدانی، عنصرالمعالی، نیما یوشیج

(۲) عنصرالمعالی، عبدالحسین وجدانی، خواجه نصیرالدین توسی، سهراب سپهری

(۳) عطار نیشابوری - محمدی اشتهاردی، عنصرالمعالی، نیما یوشیج

(۴) عنصرالمعالی، محمدی اشتهاردی، خواجه نظام‌الملک توسی، سهراب سپهری

۵۸- در کدام گزینه همه ترکیب‌های اضافی، آرایه تشبیه دارند؟

(۱) باران بهاری، گنج عزّت، باران رحمت، تیر مژگان

(۲) نقد دل، خورشید گل، آتش مهر، دل یاران

(۳) راه عشق، پای افکار، بیشه غم، رشته آرزو

(۴) طایر جان، طفل عقل، جام عافیت، کمند احسان

۵۹- در کدام بیت آرایهٔ حس آمیزی دیده می‌شود؟

(۱) به من ده که بس بی‌دل افتاده‌ام / وز این هر دو بی‌حاصل افتاده‌ام

(۲) دم از سیر این دیر دیرینه زن / صلایی به شاهان پیشینه زن

(۳) مغنی از آن پرده نقشی بیار / بین تا چه گفت از درون پرده‌دار

(۴) رهی زن که صوفی به حالت رود / به مستی وصلش حوالت رود

۶۰- ترتیب آرایه‌های حس آمیزی، کنایه، تشبیه، جناس، در کدام گزینه به درستی آمده است؟

الف- دهر سپیددست، سیه کاسه‌ایست صعب / منگر به خوش‌زبانی این ترش‌میزبان

ب- تب دوشین در آن بت چون اثر کرد / مرا فرمود و هم در شب خبر کرد

ج- سخن تلخ تو زان شیرین است / که شکر را به جواب آلوده‌ست

د- دهان مار شد از حرف تلخ، گوش مرا / خوشا کسی که در این بزم پنبه در گوش است

(۱) ج، الف، د، ب      (۲) الف، د، ب، ج      (۳) ج، د، ب، الف      (۴) الف، ج، ب، د

۶۱- در مصراع دوم کدام گزینه، مفعول دیده نمی‌شود؟

(۱) مرا عجز و تو را بیداد دادند / به هر کس هر چه باید داد، دادند

(۲) آمد نفس صبح و سلامت نرسانید / بوی تو بیاورد و پیامت نرسانید

(۳) بیمار غمت را به‌جز از صبر دوا نیست / صبرست دواي من و دردا که مرا نیست

(۴) زان گروه رفته نشماری مرا / مهربان باشی، نگه داری مرا

۶۲- نقش دستوری واژگان مشخص شده در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

«بر رهگذرت بستهام از دیده دوصد جوی / تا بو که (= بود که) تو چون سرو خرامان به در آیی»

(۱) مضاف‌الیه، مفعول، نهاد، مسند

(۲) متمم، نهاد، مفعول، متمم

(۳) متمم، نهاد، متمم، مسند

(۴) مضاف‌الیه، مفعول، نهاد، متمم

فعل «شد» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت معنایی دارد؟

(۱) گرد جهانش سمر (= افسانه) قصه خسرو و لیک / عشق به صحرا نهاد راز دل تنگ را

(۲) به مجنون تنگ شد دشت جنون از شور سودایم / به هم پیچیده سر شوریده‌ام دامان صحرا را

(۳) در اثر خوانده‌ام که روح الله / شد به صحرا برون شبی ناگاه

(۴) سنگ اطفال مرا لنگر بی‌تابی شد / ورنه دیوانه من روی به صحرا می‌کرد

در کدام بیت واژه مشتق دیده نمی‌شود؟

- (۱) نامه آن بنده حق دستگاه / لرزه‌ها انداخت در اندام شاه
- (۲) در دستگاه چرخ اگر اندوه و محنت کم شود / از پیش ما گو: خرج کن جز قدر باید بعد ازین
- (۳) بیداریم بکشت وه، ای ساریبان، خموش / کاین سوزم از فسانه شنیدن نمی‌رود
- (۴) دلم ز دیده برون شد، بماند در مژگان / گریز کرد ز باران به ناودان آویخت



در کدام گزینه هر دو نوع «واو» ربط و عطف دیده می‌شود؟

- (۱) نفسی بیا و بنشین، سخنی بگوی و بشنو / که قیامت است چندان سخن از دهان خندان
- (۲) پیچید و زان پس یکی آه کرد / ز نیک و بد اندیشه کوتاه کرد
- (۳) روی جانان طلبی، آینه را قابل ساز / ورنه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی
- (۴) دلم شکسته و جانم هنوز چشم به راهت / شبی سیاهم و در آرزوی طلعت ماهت

۶۶- مفهوم تمام گزینه‌ها به جز گزینه ..... با بیت زیر یکسان است.

«کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام»

(۱) هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام

(۲) من بینم دام را اندر هوا / گر نیوشد چشم عقلم را قضا

(۳) نه دانا به سعی از اجل جان بی‌برد / نه نادان به ناساز خوردن بمُرد

(۴) بر من قلم قضا چو بی من راندند / پس نیک و بدش ز من چرا می‌دانند؟

۶۷- کدام مصراع با جملهٔ آمده، تقابل معنایی دارد؟

- (۱) پیران قبیلهٔ خویش را حرمت دار ← گشایش از دم پیران بود جوانان را
- (۲) چون نمودی به خلاف نموده مباش ← به اندازهٔ بود، باید نمود
- (۳) امید را در نومیدی بسته دان ← از شب بخت سیاهم، صبح امیدی نژاد
- (۴) در همه کاری داد از خویشتن بده ← حساب خود این جا کن، آسوده دل شو

۶۸- مفهوم بیت «چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت» با کدام بیت قرابت ندارد؟

(۱) آن روز کو روی غم اندر زوال بود؟ / با او مرا به بوسه جواب و سؤال بود

(۲) امروز کار دولت و روز امید بود / آن روز خوش کجا شد و آن روزگار کو؟

(۳) گهی زردی و گاهی شرح هستی / دمی در عین بالا گاه پستی

(۴) بگذار تا به خویشتن آیم ز بیهوشی / روزی دو مردمی کن و بر پشت زین مرو

مفهوم عبارت «هم‌چون مروارید در دل صدف کج و کوله‌ای سال‌ها بسته ماند.» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(۱) در صدف دریا به نور رای او سازد همی / از سرشک ابر مروارید و درّ شاهوار

(۲) اهل دنیا بی‌تخیل، بی‌قیاس / بوریابافان اطلس ناشناس (بوریا = حصیر)

(۳) چون که راهش بسته شد، شد بینوا / تشنه ماند و زار با صد ابتلا

(۴) به مروارید دندان‌های چون نور / صدف را آب دندان داده از دور

۷۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

(۱) جامی از وصف لب‌ت‌گر نشکاید چه عجب / نکته‌ای ناید از آتش به دهان شیرین‌تر

(۲) هر شب‌نمی در این ره صد بحر آتشین است / دردا که این معما شرح و بیان ندارد

(۳) لال است در دهان بلاغت زبان وصف / از غایت کرم که نهان و آشکار کرد

(۴) چون ز اوصاف تو قاصر بود اندیشه من / پس هر مدح تو صد بار کنم استغفار

۷۱- در میان گروه واژه‌های زیر معنای چند واژه به درستی ذکر شده است؟

(خُنک: نیکا) (سودا: عشق) (نوش: خوشگوار) (جبار: زورگو) (صدیق: راستی) (کایدان: حيله گران) (عداوت:

دشمنی) (ماسوا: همه مخلوقات) (طالع: درخشان)

(۱) ۳

(۲) ۴

(۳) ۵

(۴) ۶

۷۲- کدام واژه در ابیات زیر معادل معنایی ندارد؟

الف- خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد / به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

ب- پوشید بدین حيله رخ نیکو را / تا هر که نه محرم نشناسد او را

پ- شور و غوغا از یسار و از یمین / یک دو دم با ما نشین، با ما نشین

(۱) خنک

(۲) گید

(۳) فرقت

(۴) هُرا



معنی واژه‌های «نوش، زلت، سودا، کید» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

الف- شهد و شکرش گویم کان گهرش گویم / شمع و سحرش خوانم یا نادره سلطانی

ب- چرخ با آن عظمت گشت به جاه تو مقر / بس بود خاصه ز خصمان قوی اقراری

ج- ز بس که معنی مکتوب عشق پیچش داشت / زبان خاصه ما هر چه گفت لغزش داشت

د- من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق / چار تکبیر زدم یکسره بر هرچه که هست

ه- مرا گناه خود است از ملامت تو برم / که عشق بار گران بود و من ظلوم جهول

و- صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد / بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

(۱) الف، ب، ج، و

(۲) ب، الف، ه، ج

(۳) الف، ج، د، و

(۴) ب، ج، الف، و

۷۴- در میان گروه کلمات زیر، املای چند واژه نادرست است؟

حد زدن - زینهار - نفخ سور - قدسیان و فرشتگان - عزا و ماتم - اوساف و تعاریف - عرش اعظم - نوحه گری - عوعو  
سگان - حمای رحمت

(۱) ۳

(۲) ۴

(۳) ۵

(۴) ۶

تعداد غلط‌های املائی به کار رفته در ابیات زیر در کدام گزینه یکسان است؟

الف- دانه سر آرد قصّه را رنگین بر آرد غصّه را / این آه خون افشان که من هر صبح و شامی می‌زنم

ب- رفتن خسرو خطاست بر سر ملک بطنان / مورچه بحر حیاط بر ره سلطان نرفت

ج- علاج دل مکن جز مرحم وصل / که از نیش فراغ آزرده دارم

د- خاک نتواند نهفتن جوهر اصرار تخم / طبع دون کی پاس دارد نکته سر بسته را

(۱) الف - ج

(۲) د - ب

(۳) د - الف

(۴) ب - ج

۷۶- کدام یک از مباحث زیر در حیطهٔ موضوعات ادبیات غنائی قرار نمی‌گیرد؟

- (۱) گلایه و شکایت      (۲) پند و اندرز      (۳) دوستی و محبت      (۴) مرثیه و مناجات

۷۷- در کدام بیت آرایهٔ ایهام دیده نمی‌شود؟

(۱) ز راز دلم باد بویی نبرد / که چون غنچه سربسته خندیده‌ام

(۲) هزار سرو خرامان به راستی نرسد / به قامت تو اگر سر بر آسمان ساینند

(۳) روز و شب خونابه‌اش باید فشاندن بر درت / دیده‌ای کز خاک درگاه تو جوید توتیا

(۴) مگر تو روی پوشی و فتنه باز نشانی / که من قرار ندارم که دیده از تو پوشم

۷۸- در کدام عبارت سجع به کار نرفته است؟

- (۱) پیکان از جراحت به درآید و آزار در دل بماند.
- (۲) ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح.
- (۳) ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و پست و دیگر برادران بلند و خوب‌روی.
- (۴) عقل بر سر تاج است و جهل بر گردن غل.

۷۹- تنها در بیت گزینهٔ ..... هر دو آرایهٔ ایهام و تشبیه به کار رفته است.

(۱) آنچه زر می شود از پرتو آن قلب سیاه / کیمیاییست که در صحبت درویشان است

(۲) نه باغ ماند و نه بستان که سرو قامت تو / برست و ولوله در باغ و بوستان انداخت

(۳) همه قبیله من عالمان دین بودند / مرا معلم عشق تو شاعری آموخت

(۴) دوست دارم که پوشی رخ هم چون قمرت / تا چو خورشید نبیند به هر بام و درت

۸۰- در ابیات همه گزینه‌ها به استثنای بیت گزینه .....، «جهان» در معنای مجازی وجود دارد.

(۱) جهان گشت سرتاسر او را رهی / زمانه برآسود از داوری

(۲) به سه بخش کرد آفریدون جهان / یکی روم و خاور دگر ترک و چین

(۳) چو دیهیم (تاج) شاهی به سر بر نهاد / جهان را سراسر همه مژده داد

(۴) زمانی برآمد چو آمد به هوش / جهان دیده با ناله و با خروش



۸۱- در کدام گزینه جهش ضمیر دیده می‌شود؟

(۱) هزار کوه گرت سد ره شوند برو / هزار ره گرت از پا درافکنند بایست

(۲) بدو گفت خندان که نام تو چیست / تن بی‌سرت را که خواهد گریست

(۳) دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت / رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم

(۴) ای که دستت می‌رسد کاری بکن / پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

۱۲- در کدام گزینه همهٔ واژه‌های به‌کار رفته از نظر ساختمان «وندی» هستند؟

(۱) شادی - دهش - تنومند

(۲) خوشا - رهبر - نیکو

(۳) خاصه - ورزش - شمشاد

(۴) دردمند - بانوان - گلوگیر

۱۳- در کدام بیت واژهٔ دو تلفظی دیده نمی‌شود؟

(۱) گر با غم عشق سازگار آید دل / بر مرکب آرزو سوار آید دل

(۲) عاشقان جان فشان کنند همه / شاهدان کار جان کنند همه

(۳) تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرورش

(۴) سر جانان ندارد هر که او را خوف جان باشد / به جان گر صحبت جانان برآید رایگان باشد

۱۴- معنی ردیف در ابیات همهٔ گزینه‌ها به استثنای بیت گزینهٔ ..... یکسان است.

(۱) ای دوست برای دوستی‌ها که مراست / دریاب که تا در نگری کردم نیست

(۲) وجود خود ز ما خالی مپندار / که نقش از نقشبند خود جدا نیست

(۳) در قعر دلم جواهر راز بسی است / اما چه کنم محرم رازم کس نیست

(۴) افسوس که کس باخبر از دردم نیست / آگاه ز حال چهرهٔ زردم نیست

در کدام بیت هستهٔ گروه اسمی دارای هر دو وابستهٔ صفت و مضاف‌الیه است؟

- (۱) دل هوشمند باید که به دلبری سپاری / که چو قبله‌ایت باشد به از آن که خودپرستی
- (۲) سودا زده‌ای کز همه عالم به تو پیوست / دل نیک بدادت که دل از وی بگسستی
- (۳) نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا / تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی
- (۴) همه عمر برندارم سر از این خمار مستی / که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

۱۶- کدام گزینه بیانگر مفهوم «گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم / گفتا که شب‌رو است او از راه دیگر آید» نیست؟

(۱) به انتظار خیال تو هر شبی تا روز / گشوده‌ام در مقصوره (= کوچک) جهان‌بین را

(۲) دریغ از خیالت که شب تا به روز / مرا مونس مردم دیده است

(۳) خیالت بس که می‌آید به چشمم / اگر خوابم به چشم آید خیال است

(۴) به هر کجا که نظر می‌کنم ز غایت شوق / خیال روی تو ایستاده در نظر است

۸۷- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

«گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد / گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید»

(۱) چنین که از همه سو دام راه می‌بینم / به از حمایت زلفش مرا پناهی نیست

(۲) دارم از زلف سیاهش گله چندان که می‌پرس / که چنان زو شده‌ام بی‌سروسامان که می‌پرس

(۳) از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح / بوی زلف تو همان مونس جان است که بود

(۴) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است / عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

مفهوم «ارزش سیرت نیک» از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

- ۱) نبینی یوسف را از روی نیکو، بند و زندان آمد و از خوی نیکو، امر و فرمان آمد؟
- ۲) خداوند عالم صورتی از خاک مهیا کرد و حیات درو پیدا کرد تا بدانند که صورت انسان، نیکوترین صورت‌هاست.
- ۳) دشمن طاووس آمد پر او / ای بسی شه را بکشته فرّ او
- ۴) خون دوید از چشم هم‌چو جوی او / دشمن جان وی آمد روی او



همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... با مفهوم آیه «فتبارک الله احسن الخالقین» برابری معنایی دارند.

(۱) آفرین باد بر چنین قلمی / کاید از نوکش چنان رقمی

(۲) بر صورت من ز روی هستی / آرایش آفرین تو بستی

(۳) تا کس از آخرین سخن گوید / سخن خلق آفرین تو باد

(۴) صورت نیافرید چون تو صورت آفرین / بر صورت آفرین و این صورت، آفرین

مفهوم شعر زیر با ابیات همهٔ گزینه‌ها به جز بیت گزینهٔ ..... ارتباط دارد.

«تو آن بلندترین هرمی / که فرعون تخیل می‌تواند ساخت / و من آن کوچک‌ترین مور / که بلندای تو را در چشم نمی‌توانم داشت»

- ۱) در اندیشه بیستم قلم وهم شکستم / که تو زیباتر از آنی که کنم وصف و بیان
- ۲) کمال حسن وجودت به وصف راست نیاید / مگر هم آینه گوید چنان که هست نمایی
- ۳) حال نیازمندی در وصف در نیاید / آن‌گه که بازگردی گوئیم ماجرا را
- ۴) ای چشم خرد حیران در منظر مطبوعت / و ای دست نظر کوتاه از دامن ادراکت

۹۱- در کدام گزینه معنای همهٔ واژه‌ها به درستی ذکر شده است؟

(۱) (مَلَك: پادشاه) (حُقَّة: صندوق) (۲) (عَرش: سایبان) (دَهش: بخشش)

(۳) (شَبَرَو: راهزن) (غِنَا: ثروت) (۴) (طَرَب: شاد) (وُصَلت: پیوستگی)

۹۲- در کدام گزینه واژه داخل کمانک نادرست معنی شده است؟

- ۱) (صویر: بوق) (بوم: جغد) (اشرف: افراشته‌تر)
- ۲) (خذلان: بی‌بهرگی از یاری) (دولت: زمان فرمانروایی) (بارگاه: کاخ شاهان)
- ۳) (طالع: سرنوشت) (سریر: تخت) (مفتخر: صاحب افتخار)
- ۴) (اعظم: بزرگوارتر) (قدس: پاکی) (ملال: پشیمانی)

۹۳- چند واژه نادرست معنا شده است؟

(پای افزار: پاپوش) (تنگ مایه: محدود) (دست مایه: فرسوده) (صولت: قدرت) (ماسوا: همه مخلوقات) (هرّا: آواز

مهیّب) (نفخ صور: دمیدن با دهان) (عمارت: آبادانی) (تبار: خاندان) (دهش: بخشش)

(۱) دو

(۲) یک

(۳) چهار

(۴) سه

در ابیات همهٔ گزینه‌ها به استثنای گزینهٔ .....، غلط‌املائی به کار رفته است.

- (۱) هر کس از این بارگاه خواهش خود می‌گرفت / ذایقهٔ من شناخت چاشنی خوان او
- (۲) فکرتی کان نبود خواسته از طبع و دماغ / نیست در عالم اگر باشد آن فکرت توست
- (۳) درودش ده از ما و خوبی نمای / بیارای گفتار و چربی فضای
- (۴) صولت جباریش پوست ز سر بر کشد / یک دم اگر سر کشد چرخ ز فرمان خوان

۹۵- کدام گزینه غلط املائی ندارد؟

- ۱) تو در چاه تحیر مانده وز بهر خلاص تو / خیال او رسن در دست بر بالای چاه اینک
- ۲) امارت یافت از عدلت زمانه / زمانه هست معمور و تو عامر
- ۳) فلک بحر تو نعمت داد و بهر گمرهان محنت / قضا قسم تو نصرت کرد و قسم دشمنان خذلان
- ۴) کسی که خدمت او کرد و دید سیرت او / از آن تبار نه جاهل بود دگر نه لعیم

۹۶- کدام گزینه از لحاظ تاریخ ادبیات نادرست آمده است؟

- (۱) غرش شیران: سیف فرغانی
- (۲) سیاست‌نامه: خواجه نظام‌الملک طوسی
- (۳) پیوند زیتون بر شاخهٔ ترنج: جبران خیل جبران
- (۴) تفسیر سورهٔ یوسف: احمد بن محمد بن زید



۹۷- در کدام بیت آرایهٔ ایهام به کار نرفته است؟

(۱) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به‌جای آر / گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست

(۲) امید هست که روی ملال در نکشد / از این سخن که گلستان نه جای دل‌تنگی است

(۳) سهل باشد سخن سخت که خوبان گویند / جور شیرین‌دهنان تلخ نباشد بردن

(۴) خیال شہسواری پخت و شد ناگه دل مسکین / خداوندا نگه‌دارش که بر قلب سواران زد

۹۸- در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ ..... آرایهٔ سجع مشهود است.

(۱) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.

(۲) نصیحت پادشاه کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.

(۳) هنر چشمهٔ زاینده است و دولت پاینده.

(۴) همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

۹۹- آرایه‌های جناس تام، استعاره، تضاد، تشبیه به ترتیب در کدام گزینه‌ها آمده است؟

الف- هر روز به هر دستی رنگی دگر آمیزی / هر لحظه به هر چشمی شوری دگر انگیزی

ب- ز چاه غصه رهایی نباشدت هر چند / به حُسن یوسف و تدبیر تهمتن باشی

ج- خیمهٔ اُنس مزن بر در این کهنه رباط / که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است

د- با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل درچنگ نیست

ه- سخن یار ز اغیار بیاید پوشید / قصهٔ مست ز هوشیار بیاید پوشید

(۱) د - ب - ج - ه - الف (۲) ه - ج - الف - د - ب (۳) د - ج - الف - ه - ب (۴) ه - ب - د - الف - ج

۱۰۰- در کدام گزینه آرایه استعاره به کار نرفته است؟

(۱) تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من / هیچ کس می نپسندم که به جای تو بود

(۲) در گوشه سلامت مستور چون توان بود / تا نرگس تو با ما گوید رموز هستی

(۳) به سعی خود نتوان برد به گوهر مقصود / خیال باشد کاین کار بی حواله برآید

(۴) ای غنچه خندان چرا خون در دل ما می کنی / خاری به خود می بندی و ما را ز سر و می کنی